**انترناسیونال ۶۸۶**

**اصغر کریمی**

**درمورد اظهار نظر آقای حسین لاجوردی در سمینار آینده ایران**

در سمینار آینده ایران در کانادا آقای لاجوردی بدنبال سخنرانی محسن ابراهیمی، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران، نکاتی مطرح کردند که کلمه به کلمه اینجا نقل میکنم:

«یکپارچگی جامعه ایران، اگر دقت کنیم مهمترین مساله، به شرط برابری کامل. بحث اصلی اینجا است که جامعه برابری بوجود آوریم که طرف نخواهد برود. من اگر اسمم بلوچ است، اگر اسمم کرد است، عرب ایرانی است و اینهمه بدبختی میکشم این حقی است که وجود دارد، طبیعی است که من یک طرف دیگر میروم که برایم بهتر باشد و زندگی داشته باشم. آن برابری مهمترین مساله ممکن است».

بسیار خوب آقای لاجوردی. منهم از این اظهار نظر شما، که بنظر میرسد روی آن واقعا فکر کرده اید، استقبال میکنم. پس جدایی از نظر شما نه تنها الزاما کفر نیست بلکه در شرایطی مجاز هم هست. یعنی اگر برابری وجود نداشته باشد، منظور شما قاعدتا برابری در حقوق شهروندی است، طرف، حق دارد برود. بنابراین تمامیت ارضی از نظر شما هم اصل مقدسی نیست و جدایی جرم نیست. قاعدتا با این موضع اگر فی المثل امروز مردم کردستان بخواهند جدا شوند و جمهوری اسلامی شروع به لشگرکشی و سرکوب آنها کند، شما نه مردم بلکه جمهوری اسلامی را محکوم خواهید کرد و حق مردم کردستان رابه رسمیت خواهید شناخت.

نکته دیگری هم شما در تکمیل نکته اول اشاره کردید:

«منهم اعتقاد دارم اگر ایران تجزیه بشود براثر ناسیونالیسم افراطی تجزیه میشود». هرچند این توضیح دقیقی نیست ولی نکته مثبتی در این جمله است. شما علت جدایی را ناسیونالیسم میدانید، حال نوع افراطی آن. و بنابراین کسی که خواهان جدایی نیست باید لبه تیز حمله را متوجه ناسیونالیسم افراطی که از نظر شما علت جدایی است بکند. و من اضافه میکنم که همه نحله های ناسیونالیسم حاکم، منظور ناسیونالیسمی که در کشور دست بالا دارد و یا در حکومت است، موقعی که بحث جدایی پیش میاید افراطی میشود و با اتهام تجزیه طلبی دست به لشگرکشی میزند.

خارج از صحبت شما لازم است چند نکته را اینجا توضیح بدهم:

۱- ما در حزب کمونیست کارگری ایران معتقدیم که گرچه ستم ملی بر بخشهای مختلفی از جامعه وارد میشود ولی «بدلیل سابقه طولانی ستم ملی بر مردم کرد در همه کشورهای منطقه و سرکوب خونین خواست های حق طلبانه در کردستان ایران در رژیم های سلطنتی و اسلامی، این ستم به یک مساله تبدیل شده است. حزب کمونیست کارگری بعنوان یک اصل، حق جدایی از ایران و تشکیل دولت مستقل از طریق یک پروسه انتخاب آزاد و عمومی را برای مردم کردستان به رسمیت میشناسد و هر نوع اقدام قهرآمیز و نظامی برای جلوگیری از این انتخاب آزادانه را قویا محکوم میکند. حزب کمونیست کارگری خواهان حل فوری مساله کرد در ایران از طریق برگزاری یک رفراندم آزاد در مناطق کردنشین غرب ایران، زیر نظارت مراجع رسمی بین المللی است. این رفراندم باید با خروج نیروهای نظامی دولت مرکزی و تضمین یک دوره فعالیت آزادانه کلیه احزاب سیاسی در کردستان به منظور آشنا کردن توده مردم با برنامه و سیاست و نظرشان در رفراندم، انجام شود. حزب کمونیست کارگری در هر مقطع تنها در صورتی به جدایی کردستان رای موافق میدهد که قویا محتمل باشد چنین مسیری کارگران و زحمتکشان در کردستان را از حقوق مدنی پیشروتر و موقعیت اقتصادی و مناسبات اجتماعی برابرتر و ایمن تری برخوردار خواهد ساخت».

۲- حزب کمونیست کارگری یک عامل مهم پیوند میان بخش های مختلف مردم و یک عامل مهم علیه جدایی است چون حقوق برابر همه شهروندان مستقل از ملیت و تابعیت، جنسیت و مذهب را به رسمیت میشناسیم و مخالف هر نوع تبعیض اقتصادی و سیاسی و اجتماعی هستیم. از جمله آموزش و صحبت به زبان مادری را حق مسلم همه مردم در سراسر کشور میدانیم.

۳- حزب کمونیست کارگری با فدرالیسم و خودمختاری شدیدا مخالف است. فدرالیسمی که از جانب فدرالیست ها برای ایران نسخه پیچی میشود بنیادش بر تقسیم جامعه بر مبنای هویت های قومی و ملی و رسمیت دادن به جدایی ملی و قومی است و میتواند در ایران خون بپا کند. خودمختاری نیز برای همیشه استخوان را لای زخم باقی میگذارد. سیاست حزب ما در این زمینه به تفصیل توضیح داده شده و اینجا وارد بحث مفصل تر نمیشوم. اضافه میکنم که مردم کردستان پیوندهای عمیقی با سایر مردم ایران دارند و علیرغم ستم طولانی ملی بر آنها، با «فارسها و ترکها و ...» مشکلی ندارند. مشکل آنها حکومت های سرکوبگر است. مردم کردستان مبارزات حق طلبانه کارگران، زنان و جوانان و غیره در سراسر کشور را بخشی از مبارزه خود میدانند همینطور که سایر مردم ایران مبارزه جانانه مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی را مبارزه خود دانسته اند و در نتیجه در حال حاضر گرایش قابل مشاهده ای در میان مردم کردستان ایران برای جدایی وجود ندارد. احزاب ناسیونالسیت کرد نیز هیچکدام از جدایی صحبت نکرده اند. مراجعه به آراء عمومی مردم کردستان و برگزاری یک رفراندم درمورد جدایی یا ماندن در چهارچوب ایران اجازه میدهد که مردم کردستان با رای خود برای همیشه به مساله کرد پایان بدهند.

۴- از نظر ما فقر و نابرابری، ستم و بی حقوقی، انواع تبعیضات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، ستم ملی، تحقیر و نداشتن حق شهروندی برابر، نداشتن حق اعتراض و بیان و عقیده و در نتیجه عدم امکان بحث و گفتگو و سمینار و کنفرانس و راه اندازی روزنامه و رادیو و تلویزیون، و از طرف دیگر هویت تراشی های ملی یا مذهبی، علل تمایل بخشی از مردم به جدایی است. مردمی که از امکان یک زندگی انسانی محروم میشوند، در صورتی که شرایط مساعدی برای جدایی و امکان یک زندگی بهتر پیدا کنند تلاش میکنند جدا شوند.

بعید میدانم صحبت آقای حسین لاجوردی در این زمینه باب طبع تمامیت ارضی طلبان باشد. آنها عموما همین که کلمه جدایی به هر شکلی و در هر شرایطی به گوششان برسد رگ های گردنشان بیرون میزند، در کنار حکومت های سرکوبگر مرکزی قرار میگیرند و اعزام نیروی مسلح و پوتین پوشان و توپ و خمپاره برای آن بخش مردم را تجویز میکنند. تمامیت ارضی برای آنها یک اصل مقدس است. مهمترین مشخصه هویتی آنها است. استثنا ندارد. شرایط ندارد. با اینهمه تردیدی ندارم فشار واقعیات و تهی بودن هویتی که تمامیت ارضی طلبان حول این رویکرد بخود گرفته اند، بخشی از آنها را به بازبینی سوق خواهد داد همینطور که بخشی از طرفداران فدرالیسم در رویکرد خود تجدید نظر کرده اند.